

موضوع امتحان پس داده. بازیگر امتحان پس داده. کارگردان امتحان پس داده. اکران امتحان پس داده و همه با نمره قبولی. پس باید فیلم خوب بفروشد. البته فیلم می فروشد و تا اینجا سربلند است. ولی چرا به اندازه مرد عوضی نمی فروشد؟

پاسخ این سؤال را باید در ارجاعات فیلم جست و جو کرد. «مومیایی ۳» سرشار از ارجاع تماشاگر به موضوعات روز و فیلم های مشابه خارجی است. نکته ظریف برآورد کارگردان از ظرفیت تماشاگر برای جذب این همه ارجاع است. دون ژوان، سعید امامی، تام کرو، اسلحه عریان، مل بروکس، صبح امروز، خرداد... صبر کنید. اینجا چه خبر است. تماشاگرانی که هر روز روزنامه بخوانند و فیلم های جدید ببینند و در کنار همه این ها به سینما هم بیایند تا فیلم مومیایی ۳ را تماشا کنند، آنقدر نیستند که فروش بالای ۴۰۰ میلیون یک فیلم را تضمین کنند. چرا که فیلم می خواهد شیرینی خود را از این ارجاعات وام بگیرد و این ریسک بزرگی است. در حالی که مرد عوضی ارجاعات خود را به زندگی مردم می داد. در ضمن درام مرد عوضی شکل تر و هدفش مشخص تر بود. جذب تماشاگر. مومیایی ۳ هدف را درست گرفته ولی نشانه گیری اش کمی اشکال دارد. هنرمند هم حالا همه امید تهیه کنندگان بخش خصوصی است. امیدواریم که این امید همچنان پایدار بماند.

### سیب سرخ حوا

کارگردان: سعید اسدی، نویسنده: هادی کریمی، تهیه کننده: محمدحسین شریفی، بازیگران: نیکی کریمی و امین حیایی. یک داستان عاشقانه داریم. با مقداری سوزناکی دادگاه و دو بازیگر امتحان پس داده. یکی در سینما و دیگری در تلویزیون و تهیه کننده و کارگردانی که می خواهند پولساز باشند. شاید فقط همین جمله برای خوب نفروختن سیب سرخ حوا کافی باشد: یک فیلم وقتی بیشتر می فروشد که چیزی بیشتر از دیگر پر فروش ها داشته باشد. سیب سرخ زیاد هم زینده دست چلاق نیست.

### جدول فروش تا پایان روز ۱۸ تیر در سینماهای تهران

فیلم	سینما	روز	فروش (تومان)
مومیایی ۳	۶	۳۲	۳۵/۹۸۱/۲۵۰
متولد ماه مهر	۲	۳۲	۳/۷۵۰/۱۰۰
سیب سرخ حوا	۵	۳۶	۹۸/۰۴۷/۷۰۰
اعتراض	۷	۴	۷۳/۹۹۶/۱۵۰
تلفن	۴	۴۲	۳/۶۷۲/۹۵۰
روز هشتم		۹۳	۸/۲۴۰/۵۰۰
تخته سیاه		۳۴	۸/۲۱۰/۱۰۰
تاکسی	۲	۲	۶/۵۱۹/۶۰۰
عزت دار			۹/۷۲۶/۹۰۰
نام من جو			۵۶۹/۵۰۰

چرک و خون و سوز و عشق را با هم می ریخت بیرون؟ این روزگار این نظام روزگار... خدایا اگر قراره هر کسی که پیر می شه دلش کوچیک بشه. خدایا منو هیچ وقت پیر نکن که اصلاً حوصله شو ندارم.

### متولد ماه مهر

نویسنده و کارگردان: احمد رضا درویش، تهیه کننده: شرکت تماشا و حوزه هنری، بازیگران: محمدرضا فروتن، میترا حجار و محمد عزیزی.

«فریاد» اولین فیلم زوج

فروتن و حجار بود که آن هم موضوعی جنگی داشت. آنجا این دو سوار بر کامیون بودند اینک سوار بر موتور. آنجا فروتن دانشجویی بریده از درس بود اینجا هم. آنجا آنها با عراقی ها و دو برادر لمپن روبه رو بودند و اینجا با عراقی ها و خانواده ای لمپن که ظاهرش فرق کرده است. ولی آنچه این زوج را در این

داستان بر طرفدار کرده است، بخش اولیه فیلم است. جایی که این دو عاشق باید در شرایطی جدید در حالی که عاشق و دلداره اند روبه روی هم بایستند و ندانند آنکه آنها را از همدیگر جدا می کند دست هایی است که صاحبانشان خوب بلدند آنها را با صابون بشویند. مشکل اول متولد ماه مهر در نداشتن صراحت است. صریح نمی گوید که قضیه چیست؟ در یک درام عاشقانه تماشاگر آنقدر که با صراحت در روایت جذب می شود به صداقت در موضوع نمی اندیشید. ولی یک تبصره را فراموش نکنید که متولد ماه مهر فیلمی است که با ملاحظات ساختی ساخته شده است. همین ملاحظات، داستان ربودن کارگردان را پیش آورد. شاید اگر آن ملاحظات بر طرف شود کارگردان

باتجربه تر ما نیز به صراحت بیشتری دست یابد. آن وقت می توان به بحث های دیگری پرداخت و آخر این که گمان نکنم دیگر کارگردانی برای فیلمش به زوج فروتن و حجار ببندیشد. اکران اول تابستان ۷۹ این زوج را به خوبی از چشم تماشاگران انداخت.

### مومیایی ۳

نویسنده و کارگردان: محمدرضا هنرمند، تهیه کننده: حسین زندباف، بازیگران: پرویز پرستویی، رامبد جوان، مهتاب کرامتی... .

سرنوشتش در اکران حرف زد. فیلم هندی عزت دار هم در سینما کریستال لاله زار به کمک دلپس کمار یک یک می کند و فیلم های خارجی دالبی نیز با بلیت های هزار تومانی و یک سالن و هر شب یک سانس وضع شان زیاد تعریفی نخواهد بود. حالا پس از پایان بازی های گروه مرگ، «مومیایی ۳» و «متولد ماه مهر» از گروه ۱۰۰ میلیونی



پرویز پرستویی و رامبد جوان در مومیایی ۳: فرمول تازه فروش

بالا آمده اند و شاید بتوانند امیدوار ورود به رؤیای ۱۵۰ میلیون باشند چرا که آرزوی ۲۰۰ میلیون شدن را فقط یک فیلم از این گروه می تواند داشته باشد که فیلم های امیدوارتر بی صبرانه منتظرند.

### اعتراض

نویسنده و کارگردان: مسعود کیمیایی، تهیه کننده: سیدضیاءاشمی، بازیگران: داریوش ارجمند، محمدرضا فروتن، میترا حجار، بیتا فرهی و... .

اعتراض همه چیز دارد الا اعتراض. همه جور آدم دارد الا آدم معترض. همه نوع روابطی در آن شکل می گیرد الا روابط جذاب همه حرف می زنند الا حرف های اساسی و همه در اعتراض دست به دست هم داده اند که زنگ خطر و هشدار بزرگ را برای مسعود کیمیایی به صدا در بیاورند. وقتی فریاد فروش نکرد برخی تعبیری تراشیدند. حالا که اعتراض هم فروش نمی کند حتماً برخی در چنته تعبیری دارند. ولی حرف آخر این است؛ اگر مسعود کیمیایی فکری به حال خودش نکند، طرفدارانش از ۷۰ میلیون تومان بیشتر نمی توانند جورش را بکشند.

اعتراض ظرفیت و خمیرمایه تبدیل به فیلم بهتری در کارنامه کیمیایی را داشت ولی بی حوصلگی، بی دقتی و حتی فراموشی کارگردان در میان عوامل جوانش دست به دست هم داده که شاهد فیلمی بشویم که تشکیل شده از یک خروج زندان به اضافه یک ساعت بحث های دونفره و سه نفره و به اضافه یک قتل و دیگر هیچ. در فیلمی که قرار است اعتراض به خشونت باشد نه خشونت می بینیم و نه حتی ناموس و رفیق و وطن. کجاست رفاقت و جسارت؟ کجاست آن تیغی که وقتی روی مسائل اجتماعی کشیده می شد